

Commonly Used English Structures

Essential Patterns for Natural English



”



1) be going to

معنی: قصد داشتن / قرار بودن

کاربرد: برای برنامه یا پیش‌بینی نزدیک استفاده

می شود.

✅ Example:

I am going to start a new project next week.

ترجمه: من هفته آینده قرار است یک پروژه جدید شروع کنم. 📁

2) as far as I know

♦ معنی: تا جایی که می دانم
♦ کاربرد: وقتی مطمئن نیستی ولی اطلاعاتی داری.

✅ Example:

As far as I know, the meeting has been postponed.

ترجمه: تا جایی که می دانم، جلسه به تعویق افتاده است. 📁

3) used to

◆ معنی: قبلاً عادت داشتن

◆ کاربرد: عادت یا وضعیت گذشته که الان وجود ندارد.

✓ Example:

I used to play football every weekend.

ترجمه: قبلاً هر آخر هفته فوتبال بازی می کردم. 📖

4) be supposed to

◆ معنی: قرار بودن / انتظار رفتن

◆ کاربرد: وظیفه، قانون یا انتظار.

✓ Example:

You are supposed to submit the report today.

ترجمه: تو قرار است امروز گزارش را تحویل بدهی. 📖

5) look forward to

◆ معنی: مشتاق بودن برای

◆ کاربرد: در ایمیل رسمی و روزمره بسیار پرکاربرد.

✓ Example:

I look forward to hearing from you.

📖 ترجمه: مشتاق شنیدن پاسخ شما هستم.

6) in order to

◆ معنی: برای اینکه

◆ کاربرد: بیان هدف به شکل رسمی تر.

✓ Example:

She studies hard in order to succeed.

📖 ترجمه: او سخت درس می خواند تا موفق شود.

7) as soon as

- ◆ معنی: به محض اینکه
- ◆ کاربرد: اتصال دو اتفاق زمانی.

✓ Example:

Call me as soon as you arrive.

ترجمه: به محض رسیدنت به من زنگ بزن. 📖

8) in spite of

- ◆ معنی: با وجود
- ◆ کاربرد: بیان تضاد.

✓ Example:

In spite of the rain, we went outside.

ترجمه: با وجود باران، بیرون رفتیم. 📖

9) due to

معنی: به دلیل

کاربرد: رسمی‌تر از because of.

✓ Example:

The flight was canceled due to bad weather.

ترجمه: پرواز به دلیل آب‌وهوای بد لغو شد.

10) in terms of

معنی: از نظر

کاربرد: تحلیل و مقایسه.

✓ Example:

The company improved in terms of productivity.

ترجمه: شرکت از نظر بهره‌وری پیشرفت کرد.

11) be capable of

◆ معنی: قادر بودن به

◆ کاربرد: توانایی رسمی.

✓ Example:

She is capable of solving complex problems.

ترجمه: او قادر به حل مسائل پیچیده است. 📖

12) there is no doubt that

◆ معنی: شکی نیست که

◆ کاربرد: تأکید قوی.

✓ Example:

There is no doubt that education matters.

ترجمه: شکی نیست که آموزش اهمیت دارد. 📖

13) not only ... but also

◆ معنی: نه تنها ... بلکه
◆ کاربرد: تأکید دوگانه.

✓ Example:

He is not only smart but also hardworking.

📖 ترجمه: او نه تنها باهوش بلکه سخت کوش نیز هست.

14) as if / as though

◆ معنی: انگار که
◆ کاربرد: توصیف حالت یا تصور.

✓ Example:

He talks as if he knows everything.

📖 ترجمه: او طوری صحبت می کند انگار همه چیز را می داند.

15) would rather

- ◆ معنی: ترجیح دادن
- ◆ کاربرد: بیان ترجیح.

✅ Example:

I would rather stay home tonight.

ترجمه: ترجیح می‌دهم امشب خانه بمانم. 📖

16) had better

- ◆ معنی: بهتر است
- ◆ کاربرد: توصیه جدی.

✅ Example:

You had better study harder.

ترجمه: بهتر است سخت‌تر درس بخوانی. 📖

17) be likely to

◆ معنی: احتمال داشتن

◆ کاربرد: پیش بینی.

✓ Example:

Prices are likely to increase soon.

ترجمه: احتمالاً قیمت‌ها به زودی افزایش می‌یابند. 📖

18) by the time

◆ معنی: تا زمانی که

◆ کاربرد: توالی زمانی.

✓ Example:

By the time I arrived, they had left.

ترجمه: تا وقتی رسیدم، آن‌ها رفته بودند. 📖

19) no matter

◆ معنی: مهم نیست

◆ کاربرد: بیان بی اهمیتی شرایط.



Example:

No matter what happens, stay calm.

ترجمه: مهم نیست چه اتفاقی بیفتد، آرام بمان. 

20) as a result

◆ معنی: در نتیجه

◆ کاربرد: نتیجه گیری.



Example:

He worked hard; as a result, he succeeded.

ترجمه: او سخت کار کرد؛ در نتیجه موفق شد. 

21) take into account

📊 معنی: در نظر گرفتن
💠 کاربرد: تحلیل و تصمیم‌گیری.

✅ Example:

We must take all factors into account.
📖 ترجمه: باید همه عوامل را در نظر بگیریم.

22) come up with

💡 معنی: ارائه دادن ایده
💠 کاربرد: ایده یا راه‌حل پیدا کردن.

✅ Example:

She came up with a brilliant solution.
📖 ترجمه: او یک راه‌حل فوق‌العاده ارائه داد.

23) be interested in

◆ معنی: علاقه مند بودن به ❤️
◆ کاربرد: علایق.

✅ Example:

I am interested in artificial intelligence.
ترجمه: من به هوش مصنوعی علاقه مندم. 📖

24) according to

◆ معنی: طبق 📖
◆ کاربرد: نقل قول یا منبع.

✅ Example:

According to the report, sales increased.
ترجمه: طبق گزارش، فروش افزایش یافت. 📖

25) deal with

◆ معنی: سر و کار داشتن با / مدیریت کردن 🛠️

◆ کاربرد: مشکلات یا موضوعات.

✅ Example:

He can deal with stressful situations.

ترجمه: او می‌تواند شرایط پر استرس را مدیریت کند. 📖

26) in addition to

◆ معنی: علاوه بر +
◆ کاربرد: افزودن اطلاعات.

✅ Example:

In addition to English, she speaks French.

ترجمه: علاوه بر انگلیسی، او فرانسوی هم صحبت می‌کند. 📖

27) be responsible for

◆ معنی: مسئول بودن برای 
◆ کاربرد: مسئولیت.

✓ Example:

She is responsible for the project.

ترجمه: او مسئول پروژه است. 

28) on behalf of

◆ معنی: از طرف 
◆ کاربرد: نمایندگی.

✓ Example:

I am writing on behalf of my team.

ترجمه: من از طرف تیمم می نویسم. 

29) take part in

◆ معنی: شرکت کردن 

◆ کاربرد: فعالیت‌ها و رویدادها.

✅ Example:

Many students took part in the competition.

📖 ترجمه: دانشجویان زیادی در مسابقه شرکت کردند.

30) be familiar with

◆ معنی: آشنا بودن با 🧠
◆ کاربرد: دانش و تجربه.

✅ Example:

I am familiar with Python programming.

📖 ترجمه: من با برنامه‌نویسی پایتون آشنا هستم.

31) be aware of

◆ معنی: آگاه بودن از 👁️👁️

♦ کاربرد: آگاهی.

✅ Example:

You should be aware of the risks.

📘 ترجمه: باید از خطرات آگاه باشی.

32) have difficulty in

♦ معنی: مشکل داشتن در 🥲

♦ کاربرد: بیان دشواری.

✅ Example:

He has difficulty in understanding math.

📘 ترجمه: او در فهم ریاضی مشکل دارد.

33) make progress

♦ معنی: پیشرفت کردن 📈

♦ کاربرد: رشد و توسعه.

✓ Example:

She is making progress in her studies.

ترجمه: او در درس‌هایش پیشرفت می‌کند. 📖

34) be based on

معنی: مبتنی بودن بر 🏗️

کاربرد: توضیح پایه و اساس. 💠

✓ Example:

The movie is based on a true story.

ترجمه: این فیلم بر اساس یک داستان واقعی ساخته شده است. 📖

35) carry out

معنی: انجام دادن 🔬

کاربرد: تحقیقات و وظایف رسمی. 💠

✅ Example:

Scientists carried out several experiments.

ترجمه: دانشمندان چندین آزمایش انجام دادند. 📖

36) in contrast to

معنی: در contrast با / برخلاف ⚖️
کاربرد: مقایسه. ♦️

✅ Example:

In contrast to his brother, he is very quiet.

ترجمه: برخلاف برادرش، او بسیار آرام است. 📖

37) be composed of

معنی: تشکیل شدن از 🧩
کاربرد: اجزا و ساختار. ♦️

✅ Example:

The committee is composed of experts.

ترجمه: کمیته از متخصصان تشکیل شده است. 📖

38) play a role in

◆ معنی: نقش داشتن در 🎭

◆ کاربرد: تأثیرگذاری.

✅ Example:

Technology plays a major role in education.

ترجمه: فناوری نقش مهمی در آموزش دارد. 📖

39) as well as

◆ معنی: همچنین / علاوه بر ✨

◆ کاربرد: افزودن اطلاعات.

✅ Example:

She speaks Spanish as well as English.

ترجمه: او علاوه بر انگلیسی، اسپانیایی هم صحبت می کند. 📖

40) lead to

➡️ معنی: منجر شدن به ◆
کاربرد: علت و معلول. ◆

✅ Example:

Stress can lead to health problems.

ترجمه: استرس می تواند منجر به مشکلات سلامتی شود. 📖

41) take advantage of

🚀 معنی: استفاده کردن از فرصت ◆

◆ کاربرد: بهره‌برداری مثبت.

✅ Example:

You should take advantage of this opportunity.

📘 ترجمه: باید از این فرصت استفاده کنی.

42) pay attention to

◆ معنی: توجه کردن به 🦻
◆ کاربرد: تمرکز.

✅ Example:

Please pay attention to the instructions.

📘 ترجمه: لطفاً به دستورالعمل‌ها توجه کن.

43) be related to

◆ معنی: مرتبط بودن با 🔗

◆ کاربرد: ارتباط موضوعات.

✅ Example:

The symptoms are related to stress.

📘 ترجمه: علائم مرتبط با استرس هستند.

44) in the long run

⏳ معنی: در بلندمدت ◆

◆ کاربرد: نتایج آینده.

✅ Example:

Hard work pays off in the long run.

📘 ترجمه: سخت‌کوشی در بلندمدت نتیجه می‌دهد.

45) make a difference

◆ معنی: تفاوت ایجاد کردن ✨

◆ کاربرد: تأثیر مثبت.

✓ Example:

Education can make a difference.

ترجمه: آموزش می تواند تفاوت ایجاد کند. 📖

46) be known for

معنی: معروف بودن به 🌍

کاربرد: شهرت. 💠

✓ Example:

The city is known for its history.

ترجمه: این شهر به تاریخش معروف است. 📖

47) take place

معنی: اتفاق افتادن 📅

کاربرد: رویدادها. 💠

✓ Example:

The conference will take place tomorrow.

ترجمه: کنفرانس فردا برگزار خواهد شد. 📖

48) at least

✓ معنی: حداقل ♦

کاربرد: حداقل مقدار یا انتظار. ♦

✓ Example:

You should sleep at least seven hours.

ترجمه: باید حداقل هفت ساعت بخوابی. 📖

49) in my opinion

☁ معنی: به نظر من ♦

کاربرد: بیان نظر. ♦

✓ Example:

In my opinion, this method is effective.

ترجمه: به نظر من این روش مؤثر است. 📖

50) as a matter of fact

◆ معنی: در واقع 😎
◆ کاربرد: تصحیح یا تأکید.



Example:

As a matter of fact, I have already finished it.

ترجمه: در واقع، من قبلاً آن را تمام کرده‌ام. 📖

51) on the other hand

◆ معنی: از طرف دیگر ⚖️
◆ کاربرد: بیان دیدگاه یا نکته مخالف.

✓ Example:

Online classes are convenient. On the other hand, they can be distracting.

ترجمه: کلاس‌های آنلاین راحت هستند. از طرف دیگر، می‌توانند حواس‌پرت‌کن باشند. 📖

52) in other words

معنی: به عبارت دیگر ✎
کاربرد: توضیح ساده‌تر. ✎

✓ Example:

He is very punctual. In other words, he is never late.

ترجمه: او بسیار وقت‌شناس است. به عبارت دیگر، هرگز دیر نمی‌کند. 📖

53) for instance

📌 معنی: برای مثال ♦
♦ کاربرد: مثال آوردن.

✅ Example:

Many countries, for instance Canada, support this policy.

ترجمه: بسیاری از کشورها، برای مثال کانادا، از این سیاست حمایت می کنند. 📖

54) as a consequence

⚡ معنی: در نتیجه ♦
♦ کاربرد: نتیجه رسمی.

✅ Example:

He ignored the warnings; as a consequence, he failed.

ترجمه: او هشدارها را نادیده گرفت؛ در نتیجه شکست خورد. 📖

55) with regard to

 معنی: در مورد 
 کاربرد: رسمی و اداری.

 Example:

I am writing with regard to your application.

ترجمه: من درباره درخواست شما می نویسم. 

56) as long as

 معنی: تا زمانی که 
 کاربرد: شرط.

 Example:

You can stay here as long as you are quiet.

ترجمه: تا زمانی که آرام باشی می توانی اینجا 

بمانی.

57) even though

☁️ معنی: با اینکه ♦️
کاربرد: تضاد. ♦️

✅ Example:

Even though he was tired, he kept working.

📁 ترجمه: با اینکه خسته بود، به کار ادامه داد.

58) be willing to

🤝 معنی: مایل بودن به ♦️
کاربرد: تمایل. ♦️

✅ Example:

She is willing to help us.

ترجمه: او مایل است به ما کمک کند. 📖

59) take care of

♦️ معنی: مراقبت کردن از ❤️
♦️ کاربرد: رسیدگی.

✅ Example:

He takes care of his younger brother.

ترجمه: او از برادر کوچکش مراقبت می کند. 📖

60) in favor of

♦️ معنی: موافق 👍
♦️ کاربرد: حمایت از ایده.

✅ Example:

Most students are in favor of the new rule.

ترجمه: بیشتر دانشجویان موافق قانون جدید 📖

هستند.

61) be opposed to

◆ معنی: مخالف بودن با ❌
◆ کاربرد: مخالفت رسمی.

✅ Example:

They are opposed to the decision.

📘 ترجمه: آن‌ها مخالف این تصمیم هستند.

62) as a whole

◆ معنی: در مجموع 🌍
◆ کاربرد: نگاه کلی.

✅ Example:

As a whole, the project was successful.

📘 ترجمه: در مجموع، پروژه موفق بود.

63) make an effort

◆ معنی: تلاش کردن 💪
◆ کاربرد: کوشش.

✅ Example:

You should make an effort to improve.
📘 ترجمه: باید تلاش کنی پیشرفت کنی.

64) take responsibility for

◆ معنی: مسئولیت چیزی را پذیرفتن 🧑‍💼
◆ کاربرد: مسئولیت‌پذیری.

✅ Example:

He took responsibility for the mistake.
📘 ترجمه: او مسئولیت اشتباه را پذیرفت.

65) be eager to

معنی: مشتاق بودن 😊 ♦
کاربرد: اشتیاق زیاد. ♦

✅ Example:

The students are eager to learn.

ترجمه: دانشجویان مشتاق یادگیری هستند. 📖

66) in comparison with

معنی: در مقایسه با 📊 ♦
کاربرد: مقایسه. ♦

✅ Example:

This year's sales increased in comparison with last year.

ترجمه: فروش امسال در مقایسه با سال گذشته افزایش یافت. 📖

67) be concerned about

معنی: نگران بودن درباره 🙄
کاربرد: نگرانی. 💠

✅ Example:

Parents are concerned about their children's future.

ترجمه: والدین نگران آینده فرزندانشان هستند. 📖

68) make sure

معنی: مطمئن شدن ✓
کاربرد: بررسی و اطمینان. 💠

✅ Example:

Make sure all the doors are locked.

ترجمه: مطمئن شو همه درها قفل هستند. 📖

69) in case

◆ معنی: در صورتی که ☔
◆ کاربرد: آمادگی برای احتمال.

✅ Example:

Take an umbrella in case it rains.

ترجمه: در صورتی که باران بیارد چتر بردار. 📖

70) by means of

◆ معنی: به وسیلهٔ 🛠️
◆ کاربرد: روش یا ابزار.

✅ Example:

The data was collected by means of surveys.

ترجمه: داده‌ها به وسیله نظرسنجی جمع‌آوری 📖

شدند.

71) be satisfied with

💠 معنی: راضی بودن از 😊
💠 کاربرد: رضایت.



Example:

Customers are satisfied with the service.

📘 ترجمه: مشتریان از خدمات راضی هستند.

72) have an impact on

💠 معنی: تأثیر داشتن بر ✨
💠 کاربرد: اثرگذاری.



Example:

Social media has an impact on society.

📘 ترجمه: شبکه‌های اجتماعی بر جامعه تأثیر دارند.

73) according to plan



معنی: طبق برنامه

کاربرد: پیش رفتن کارها.

✓ Example:

Everything went according to plan.

ترجمه: همه چیز طبق برنامه پیش رفت. 

74) be tired of



معنی: خسته شدن از

کاربرد: بی حوصلگی.

✓ Example:

I am tired of waiting.

ترجمه: از منتظر ماندن خسته شده‌ام. 

75) keep in mind

◆ معنی: در نظر داشتن 🧠
◆ کاربرد: یادآوری مهم.

✅ Example:

Keep in mind that practice is essential.

ترجمه: در نظر داشته باش که تمرین ضروری است. 📖

76) make use of

◆ معنی: استفاده کردن از 🛠️
◆ کاربرد: رسمی‌تر از use.

✅ Example:

Students should make use of library resources.

ترجمه: دانشجویان باید از منابع کتابخانه استفاده کنند. 📖

77) as a result of

🔥 معنی: در نتیجه ♦
کاربرد: علت و معلول. ♦

✅ Example:

The event was canceled as a result of the storm.

ترجمه: این رویداد در نتیجه طوفان لغو شد. 📖

78) in the meantime

🕒 معنی: در همین حین ♦
کاربرد: فاصله زمانی. ♦

✅ Example:

Dinner will be ready soon. In the meantime, relax.

📖 ترجمه: شام به زودی آماده می شود. در این فاصله استراحت کن.

79) be proud of

🏆 معنی: افتخار کردن به
♦ کاربرد: غرور مثبت.



Example:

She is proud of her achievements.

📖 ترجمه: او به دستاوردهایش افتخار می کند.

80) on a regular basis

🔄 معنی: به طور منظم
♦ کاربرد: تکرار.



Example:

You should exercise on a regular basis.

ترجمه: باید به طور منظم ورزش کنی. 📖

81) as far as possible

معنی: تا حد امکان 🌍 ♦
کاربرد: حداکثر تلاش. ♦

✅ Example:

We should reduce waste as far as possible.

ترجمه: باید تا حد امکان زباله را کاهش دهیم. 📖

82) in response to

معنی: در پاسخ به ✉️ ♦
کاربرد: نامه و واکنش. ♦

✅ Example:

He spoke in response to the criticism.

📖 ترجمه: او در پاسخ به انتقاد صحبت کرد.

83) take notes

🖋️ معنی: یادداشت برداشتن ♦️
♦️ کاربرد: درس و جلسه.

✅ Example:

Students should take notes during lectures.

📖 ترجمه: دانشجویان باید هنگام سخنرانی یادداشت بردارند.

84) get rid of

🗑️ معنی: خلاص شدن از ♦️
♦️ کاربرد: حذف چیزی.

✅ Example:

We need to get rid of unnecessary files.

ترجمه: باید از فایل‌های غیرضروری خلاص شویم. 

85) be famous for

◆ معنی: مشهور بودن به 
◆ کاربرد: شهرت.



Example:

Paris is famous for its architecture.

ترجمه: پاریس به معماری‌اش مشهور است. 

86) have access to

◆ معنی: دسترسی داشتن به 
◆ کاربرد: منابع و اطلاعات.



Example:

Students have access to online courses.

ترجمه: دانشجویان به دوره‌های آنلاین دسترسی دارند. 📖

87) in charge of

معنی: مسئول 🧑
کاربرد: مدیریت. 💠

✅ Example:

She is in charge of the marketing team.
ترجمه: او مسئول تیم بازاریابی است. 📖

88) make a decision

معنی: تصمیم گرفتن ⚡
کاربرد: انتخاب. 💠

✅ Example:

It is difficult to make a decision quickly.

📖 ترجمه: تصمیم‌گیری سریع دشوار است.

89) at the same time

🕒 معنی: همزمان ♦
♦ کاربرد: دو اتفاق همزمان.

✅ Example:

He studies and works at the same time.

📖 ترجمه: او همزمان درس می‌خواند و کار می‌کند.

90) be afraid of

😬 معنی: ترس داشتن از ♦
♦ کاربرد: ترس و نگرانی.

✅ Example:

Many people are afraid of failure.

📖 ترجمه: بسیاری از مردم از شکست می‌ترسند.

91) take into consideration

📋 معنی: مدنظر قرار دادن

💠 کاربرد: رسمی و آکادمیک.

✅ Example:

The committee took all opinions into consideration.

📘 ترجمه: کمیته همه نظرات را مدنظر قرار داد.

92) make a contribution to

🤝 معنی: مشارکت کردن در

💠 کاربرد: کمک علمی یا اجتماعی.

✅ Example:

Scientists make contributions to society.

📘 ترجمه: دانشمندان به جامعه کمک می کنند.

93) be dependent on

🔗 معنی: وابسته بودن به
کاربرد: وابستگی.

✅ Example:

Success is often dependent on effort.

ترجمه: موفقیت اغلب وابسته به تلاش است. 📖

94) on purpose

😊 معنی: عمداً
کاربرد: قصد داشتن.

✅ Example:

He broke the glass on purpose.

ترجمه: او عمداً لیوان را شکست. 📖

95) in detail

◆ معنی: با جزئیات 
◆ کاربرد: توضیح دقیق.

✓ Example:

Please explain the process in detail.

ترجمه: لطفاً فرایند را با جزئیات توضیح دهید. 

96) take action

◆ معنی: اقدام کردن 
◆ کاربرد: واکنش رسمی.

✓ Example:

The government must take action immediately.

ترجمه: دولت باید فوراً اقدام کند. 

97) from my point of view

👓 معنی: از دیدگاه من

💠 کاربرد: بیان نظر رسمی.

✅ Example:

From my point of view, education is essential.

📘 ترجمه: از دیدگاه من، آموزش ضروری است.

98) be connected to

🔌 معنی: متصل / مرتبط بودن با

💠 کاربرد: ارتباط فیزیکی یا مفهومی.

✅ Example:

The computer is connected to the network.

📘 ترجمه: کامپیوتر به شبکه متصل است.

99) make a living

👛 معنی: امرار معاش کردن ♦
♦ کاربرد: درآمد داشتن.

✅ Example:

He makes a living by teaching English.

📘 ترجمه: او از طریق تدریس انگلیسی امرار معاش می‌کند.

100) all of a sudden

⚡ معنی: ناگهان ♦
♦ کاربرد: اتفاق غیرمنتظره.

✅ Example:

All of a sudden, the lights went out.

📘 ترجمه: ناگهان چراغ‌ها خاموش شدند.